بسم‌الله الرحمن الرحیم

**متن درس فقه عبادات (خلل قبله) [[1]](#footnote-1) استـاد شوپایی جویباری زیدعزه**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین

# [مرور گذشته]

در برخی از کلمات به روایت علی بن سوید[[2]](#footnote-2) برای اثبات جواز نظر غیر التذاذی به وجه و کفین استدلال شده است و این روایت را از ادله جواز نظر به وجه و کفین قرار داده‌اند؛ حال استدلال به این روایت تمام است یا خیر؟

# [طرح و بررسی احتمالات روایت علی بن سوید]

## [احتمال مبنای استدلال بر مدعی]

استدلال به این روایت مبتنی و متوقف بر این است که از روایت استفاده شود که نگاه اگر با التذاذ باشد جایز نیست ولی اگر بدون التذاذ باشد جایز است؛ لذا اگر از تعبیر امام «اذا عرف الله من نیتک الصدق» استفاده شود که نگاه اگر التذاذی نباشد مانعی از نظر نیست؛ این روایت دلیل بر مدعی خواهد بود؛ لکن در جلسه قبل بیان شد که در اینکه این روایت دلالت بر این مدعی داشته باشد اشکال شده است؛ زیرا مفاد این روایت به ملاحظه سوال و جواب، تفصیل بین نظر مع التذاذ و نظر بلا التذاذ نیست بلکه مفاد روایت امر دیگری است و اینکه مفاد روایت چه چیزی است که غیر از مبنای استدلال باشد به حسب کلمات فقها اختلاف پیدا شده است و چند امر مورد احتمال است و احتمالات در جلسه قبل بیان شده است:

## [احتمال اول از جواهر الکلام]

در مفاد روایت این است که این روایت ناظر به نگاه کردن به وجه و کفین قهری و اتفاقی است هرچند این نگاه قهری التذاذ جنسی را به دنبال داشته باشد ولی خود نظر حصولش عمدی نبوده است و اتفاقی بوده است که این احتمال در کلمات مرحوم صاحب جواهر مطرح شده بود. [[3]](#footnote-3)

## [احتمال دوم از شیخ انصاری]

نگاه کردن حتی التذاذی به وجه و کفین اگر علت برای نگاه کردن التذاذ و شهوت نباشد بلکه بدون این شهوت و التذاذ شخص نظر کند ولی بقاء نگاه همراه با التذاذ شده است دراینصورت امام فرموده است که مانعی ندارد، گاهی التذاذ جنسی و شهوانی علت برای نگاه کردن است ولی گاهی این التذاذ شهوانی در ادامه و طول نگاه حادث می‌شود؛ که حضرت در موردی که این التذاذ و شهوت از طریق نگاه را در فرض دوم بی مانع دانسته‌اند و این احتمال برداشت مرحوم شیخ انصاری از روایت است و به عبارت دیگر مختارایشان این است شخص به خاطر ابتلاء نگاه به زن دارد ولی سبب النظر شهوت و التذاذ نیست بلکه شهوت معلول النظر است. [[4]](#footnote-4)

## [احتمال سوم اقای حکیم و اقای تبریزی]

در کلمات مرحوم اقای حکیم[[5]](#footnote-5) و آقای تبریزی[[6]](#footnote-6) آمده است \_ که این نگاه اگر از روی اضطرار و اقتضای شغل و پیشه فرد باشد و حاجت عرفیه حساب شود مانعی ندارد ولی اگر ضرورتی در کار نباشد و بدون اضطرار بخواهد نگاه کند این ممنوع است.

## [احتمال چهارم اقای خویی]

مرحوم اقای خویی در کتاب الصلاه این احتمال را اختیار کرده‌اند و نگاه به وجه و کفین اگر از روی شهوت باشد حرام است ولی همین نگاه به وجه و کفین اگر همراه با التذاذ باشد ولی نه التذاذ جنسی و شهوانی بلکه به مقتضی طبع بشر باشد که از دیدن مناظر زیبا لذت می‌برد این مانعی ندارد و این احتمال در کلام مرحوم فیض در وافی نیز بیان شده است:

«صدق النظر أن یکون لرؤیة آثار صنع اللّٰه عز و جل من دون شهوة و لا ریبة» [[7]](#footnote-7)

یعنی همانطور که انسان از دیدن منظره طبیعی لذت می‌برد، از دیدن زیبایی زن نیز این حد از التذاذ از باب زیبایی صنع خداوند متعال لذت می‌برد و به اعجاب می‌آید این حد از نظر مرد اجنبی نسبت به زن اجنبیه اشکال ندارد.

لکن مرحوم اقای خویی هرچند درکتاب الصلاه این احتمال را داده‌اند و معنای روایت را متعین در این احتمال می‌دانند ولی در کتاب النکاح ازاین معنا عدول کرده‌اند و این روایت را دال بر جواز نظر حتی با التذاذ غیر شهوانی نمی دانند زیرا در روایت بیان شده است که نظر موجب اعجاب شده است و این تعبیر به معنای نگاه التذاذی جنسی به زن است اگر امام علیه السلام در جواب بفرمايد لابأس معنايش اين است که نگاه التذاذی به زن مانعی ندارد در حاليکه اين مطلبی است که نمی توان به آن ملتزم شد وکسی به آن قائل نشد ، علاوه بر اينکه نگاه به زن زيبا در روايت مختص به وجه و کفين او نيست بلکه شامل موی او هم می شود وحال آنکه جواز نگاه التذاذی به موی زن مقطوع البطللان است :

«(فیعجبنی النظر إلیها) و هو مما لا یمکن الالتزام به و لم یقل به أحد منّا. علی أنها غیر مختصة بالوجه و الیدین فتشمل الشعر أیضاً و هو مقطوع البطلان.» [[8]](#footnote-8)

لذا به سبب اینکه معنای ظاهری روایت (جواز نگاه التذاذی به وجه و کفین و حتی به شعر زن ) قابل التزام نیست ناچاریم که روایت راحمل کنیم بر جایی که شخص تعمد بر نگاه کردن نداشته باشد که یعنی اتفاقی و از غیر عمد نگاه کرده باشد. که برگشت به بیان صاحب جواهر دارد.

یک مطلب اضافی در فرمایشات ایشان است که حمل روایت بر فرض نگاه التذاذی بر وجه زن عمداً و از روی قصد و علم با عظمت شأن علی بن سوید که از اصحاب امام رضا علیه السلام است سازگاری ندارد؛ از طرف دیگر نیز اینکه شخص گناهی را انجام دهد و بعد با کمال پر رویی بیاید از امام بپرسد که گناه کردم نیز این معنا مستبعد است؛ لذا منظور از نگاه، یعنی نگاه قهری و بدون تعمد است و امام علیه السلام نیز فرموده است که اگر راست میگی که نگاه قهری بوده است مانعی ندارد. [[9]](#footnote-9)

## [احتمال پنجم صاحب وسائل و مرحوم مجلسی]

در اینجا که شخص می‌گوید نگاه کردم و یعجبنی و امام فرموده است که «لاَ بَأْسَ إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ»؛ مقصود از این جواب است که نگاه کردن به وجه حلال باشد مثل نگاه کردن به زن در جايی که قصد تزويج با او را دارد که این احتمال در کلام صاحب وسائل نیز امده است که ایشان فرموده است:

«أَقُولُ: یُمْكِنُ حَمْلُ النَّظَرِ عَلی مَا کَانَ بِقَصْدِ التَّزْوِيجِ أَوْ بِغَيْرِ تَعَمُّدٍ أَوْ غَیْرِ ذَلِكَ مِنَ الْأَقْسَامِ الْمَذْكُورَةِ سَابِقاً لِمَا مَضی وَ یَأْتِي.» [[10]](#footnote-10)

ومرحوم مجلسی نیز در روضه المتقین نیز همین احتمال را فرموده است:

«الظاهر أن المراد بصدق النیة، النظر بقصد النکاح أو المتعة لا العبث فإنه لا نیة فیه أو کان عاشقا.» [[11]](#footnote-11)

# [جمع بندی احتمالات در روایت علی بن سوید]

اینجا در مقابل احتمال مبنای استدلال، پنج معنای دیگر محتمل است؛ حال باید دید که به کدام معنا می‌شود ملتزم شد:

### [1.نقد احتمال مبنای استدلال بر مدعی]

احتمال اول که مبنای استدلال باشد که در روایت بین نگاه بدون التذاذ و نگاه با التذاذ تفصیل داده است با تعبیر اعجاب درروایت سازگاری ندارد زیرا این تعبیر یعنی نگاه التذاذی و شهوانی لذا استدلال انهایی که برای اثبات جواز نظر غير التذاذی به این روایت استدلال کرده‌اند کنار می‌رود.

حال در 5 احتمال دیگر که معنای این روایت چه خواهد شد باید گفت:

## [2.نقد احتمال از جواهر الکلام]

### [اشکال اول به احتمال صاحب جواهر]

این احتمال که صاحب جواهر فرموده است ( یعنی نگاه قهری و غیر عمدی ) در کتاب الصلاه مورد اشکال اقای خویی قرار گرفته است زیرا از روايت استفاده می شود که خود نظر فرد را به اعجاب وا می دارد یعنی در همان زمانی که نظر بوده است اعجاب نیز محقق بوده است نه اینکه در زمان نظر التذاذ نبود و بعد از ان التذاذ پیش امده است لذا این احتمال با ظاهرتعبیر خود روایت سازگاری ندارد.

### [اشکال دوم به احتمال صاحب جواهر]

اشکال دیگر به احتمال صاحب جواهر که در خود جواهر بیان شده است و ایشان پاسخ داده است اين است که اگر نظر، نظر اتفاقی باشد، نظر اتفاقی که موضوع حکم شرعی نیست ولو اباحه و جواز؛ لذا این عبارت با نظر اتفاقی سازگاری ندارد زیرا که امام حکم نظر را بیان می‌فرماید در حالیکه نظر اتفاقی حکم ندارد.

ایشان پاسخ داده است:

نظر اتفاقی در زمانی که نظر می‌کند قهری از او صادر می‌شود ولی نسبت به مقدماتش اختیار دارد و این کافی است برای اینکه نظر اتفاقی را موضوع حکم شرعی قرار بدهد

### [اشکال سوم به احتمال صاحب جواهر]

از جواب امام علیه السلام استفاده می‌شود که نظر عن نیت بوده است نه نظر اتفاقی و قهری زیرا امام عليه السلام با فرض اينکه حتماً در نظر نیتی بوده است فرموده است اگر این نیت صادقه بود مانعی ندارد لذا در جایی که به صورت قهری و اتفاقی چشمش به جمال زن می‌افتد دیگر نیت ندارد؛ این اشکال سوم در کتاب النکاح در مستمسک اقای حکیم بیان شده است: «و لا ما ذکر فی کشف اللثام و الجواهر من النظر الاتفاقی، إذ النظر الاتفاقی لا نیة فیه.» [[12]](#footnote-12)

## [3. نقد احتمال دوم از کتاب النکاح شیخ انصاری]

نگاه التذاذی شهوانی است ولی التذاذ معلول نگاه است نه سبب برای نگاه و مرحوم شیخ اصل روایت را در ذیل این فرع مطرح کرده است که شخص اگر به قصد لذت بردن نگاه نکرده است ولی به دنبال او برای شخص التذاذ جنسی پیدا می‌شود بر او قطع نظر لازم نیست به دلالت روایت علی بن سوید.

دلیل رد این احتمال این است که نگاه التذاذی چه در حدوثش و چه در بقائش التذاذ شهوانی باشد از جهت شرعی حرام است لذا چون حرمت نگاه کردن التذاذی ولو بقائا از مرتکزات شرعیه است، اگر اطلاقی نیز در بین باشدبوسیله این مرتکز شرعی باید این اطلاق قیدبخورد يعنی از آنجا که نمی‌شود نگاه التذاذی جنسی به زن ولو بقائا را جایز دانست باید این اطلاق قیدبخورد .

اقای تبریزی نیز فرموده است که نگاه التذاذی به زن با همه حالاتش ممنوع است به ایه غض چه از اول این التذاذباشد چه در ادامه حاصل شود و اگر اطلاقات جواز نظر به وجه و کفین نیز در کار باشد از موارد اطلاق در مقابل کتاب مجید است و باید بوسیله کتاب این اطلاق روایت جواز را تقیید کرد و نسبت به روایت علی بن سوید اگر دلالت بر جواز نظر التذاذی داشته باشد نمی‌توان ملتزم شد زیرا که در مقابل کتاب است[[13]](#footnote-13)؛ لذا احتمال شیخ انصاری در روایت علی بن سوید نیز قابل التزام نیست.

## [4.بررسی احتمال سوم از کلام اقای حکیم و اقای تبریزی]

اگر روایت ناظر به فرض اضطرار و احتیاج به نگاه کردن باشد که در کلام اقای حکیم، اقای تبریزی و در برخی از کلمات متقدمین مثل مرحوم نراقی نیز آمده است و ایشان در مستند فرموده است: «فإنّ الظاهر من الابتلاء: الاضطرار إلیه و عدم إمکان التحرّز» [[14]](#footnote-14) و ظاهر از روایت را فرض ضرورت می‌دانند هرچند در ادامه احتمال حمل روایت بر نظر اتفاقی غیر عمدی را نیز مطرح کرده است و فرمودند: «و قد یحمل علی الاتّفاقی أیضا.» [[15]](#footnote-15)

در برخی از کلمات دیگر امده است که عنوان مذکور در روایت عنوان ابتلاء است و اینکه از ابتلاء اراده اضطرار شده باشد معهود و صحیح نیست اشکال اقای خویی بر این احتمال همین بیان است. لذا ایشان فرموده است:

«و نحوه فی الضعف حمل الابتلاء علی الاضطرار الرافع للتکلیف، و أنّ الوجه فی السؤال ما یدخله من الإعجاب بعد النظر. فإنّ إطلاق الابتلاء علی الاضطرار لم یعهد فی المحاورات، فهو استعمال غیر مأنوس، لکونه علی خلاف المتفاهم العرفی من هذه الکلمة کما لا یخفی» [[16]](#footnote-16)

لکن از اشکال اقای خویی می‌توان پاسخ داد که ابتلاء در معنای عرفی و لغوی یعنی گرفتار شدن شخص و این گرفتار شدن شخص در مواردی که به خاطر شغلش مواجهه دارد، عنوان ابتلاء عرفاً صادق است لذا این احتمال قابل التزام است و دلیلی بر رد این احتمال وجود ندارد.

## [5. نقد احتمال پنجم]

این احتمال که در کلام صاحب وسائل و مجلسی اول بود و حتی در مراه العقول[[17]](#footnote-17) نيز این احتمال ذکر شده است لکن این احتمال قابل التزام در روایت نیست زیرا در روایت مورد سوال ابتلاء به زن جمیله است و امام علیه السلام نیز بین نیت صادقه و کاذبه تفصیل داده‌اند و این سوال و جواب حمل نمی‌شود بر جايی که فرد قصد و نیت أراده عمل حلالی مثل ازدواج یا متعه را با زن جمیله دارد زیرا این فرض ازدواج نیز در فرضی مطرح است که علی بن سوید خودش قصد ازدواج دارد\_حال چه مجرد باشد چه قصد تجدید تزویج را داشته است\_ و آن زن نیز در معرض ازدواج باشد که با اطلاق سوال سائل این تقیید ناسازگار است خصوصاً اینکه در اینکه علی بن سوید می‌گوید من مبتلا به نظر به زنان هستم از خود این تعبیر به دست می‌آید که وقتی علی بن سوید گرفتار این نوع نظر است نشان دهنده این است که ناظر به فرض ازدواج و حلیت نظر به خاطر قصد تزویج نیست.

# [جمع بندی احتمالات]

از میان احتمالات مطرح در ذیل روایت علی بن سوید فقط احتمالی که در کلام اقای حکیم و اقای تبریزی ذکر شده قابل التزام است و سایر احتمالات صحیح نمی‌باشد.

1. دوشنبه ، 5 آذر ،1403 [↑](#footnote-ref-1)
2. - تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، جلد: ۲۰، صفحه: ۳۰۸ : «وَ عَنْهُ‌ عَنْ‌ أَحْمَدَ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ الْحَكَمِ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ سُوَيْدٍ قَالَ‌: قُلْتُ‌ لِأَبِي الْحَسَنِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ إِنِّي مُبْتَلًى بِالنَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ‌ الْجَمِيلَةِ‌ فَيُعْجِبُنِي النَّظَرُ إِلَيْهَا فَقَالَ‌ يَا عَلِيُّ‌ ، لاَ بَأْسَ‌ إِذَا عَرَفَ‌ اللَّهُ‌ مِنْ‌ نِيَّتِكَ‌ الصِّدْقَ‌ وَ إِيَّاكَ‌ وَ الزِّنَا فَإِنَّهُ‌ يَمْحَقُ‌ الْبَرَكَةَ‌ وَ يُهْلِكُ‌ الدِّينَ‌ .» [↑](#footnote-ref-2)
3. جواهر الکلام (ط. القدیمة)، جلد: ۲۹، صفحه: ۷۹ :«و صحیح ابن سوید محمول علی إرادة إنی مبتلی باتفاق وقوع النظر إلی الامرأة الجمیلة، و أنه یحصل له بعد ذلک لذة، فأجابه بنفی البأس إذا عرف الله من نیتک الصدق، و أنک غیر متعمد لذلک، ثم حذره عن الزنا، أی عن النظر الذی یخاف منه ذلک، أو أن المراد إیاک و زنا العین، أی تعمد النظر للتلذذ و نحوه» [↑](#footnote-ref-3)
4. کتاب النکاح (انصاری)، صفحه: ۵۳ :« و أمّا إذا لم يقصد به التلذّذ و لكن علم بحصول اللذّة بالنظر، أو لم يعلم به، و لكن تلذّذ في أثناء النظر، فهل يجب الكفّ‌، أم لا؟ ... فأجاب عليه السلام بأنّه لا بأس بذلك إذا علم اللّٰه من قصدك مطابقة ما تظهره من أنّ‌ نظرك ليس لمجرّد التلذّذ حيث عبّرت عن مخالطتك معهنّ‌ «بالابتلاء بهنّ‌»، و أنّك كاره لإعجابك الحاصل حين النظر، ثم حذّره عن الزنی» [↑](#footnote-ref-4)
5. مستمسک العروة الوثقی، جلد: ۱۴، صفحه: ۳۰ «علي بن سويد فالظاهر منه الاضطرار الی النظر لعلاج و نحوه، بقرينة قوله (ع): «إذا عرف اللّٰه من نيتك الصدق» يعني: الصدق في أن نظرك للغاية اللازمة، لا ما ذكره (قده) و لا ما ذكر في كشف اللثام و الجواهر من النظر الاتفاقي، إذ النظر الاتفاقي لا نية فيه.» [↑](#footnote-ref-5)
6. تنقیح مباني العروة (الصلاة)، جلد: ۲، صفحه: ۱۶ « و لكن لا يخفی ما في الدعوی فإنّه لم يدل ما ورد فيها من الابتلاء بالنظر إلی المرأة الجميلة النظر في غير مقام الضرورة كالعلاج من المرض كالطبيب الذي يبتلی بالنظر إلی النساء و إذا كانت المرأة جميلة يكون للناظر إليها عجب فمع عدم كون النظر بالريبة و الافتتان فلا بأس به في ذلك المقام؛ و لذا ذكر عليه السّلام: إذا عرف من نيتك الصدق، و هو أنّ‌ النظر لغاية رفع ضرورتها فلا بأس به مع تحذيره عن الافتتان و الريبة كيف‌؟ و لو كان المراد من قوله: يعجبني، هو الالتذاذ الجنسي تكون الرواية مخالفة للكتاب العزيز الدال علی الأمر بالغض من البصر و تحفظ الفرج.» [↑](#footnote-ref-6)
7. الوافي، جلد: ۱۵، صفحه: ۲۱۱ [↑](#footnote-ref-7)
8. موسوعة الإمام الخوئي، جلد: ۳۲، صفحه: ۴۳ [↑](#footnote-ref-8)
9. موسوعة الإمام الخوئي، جلد: ۳۲، صفحه: ۴۳ « و مما يؤيد ما ذكرناه من حملها على عدم التعمد و القصد أنّ‌ من البعيد جدّاً أن يفعل علي بن سويد على جلالة قدره و عظم شأنه ذلك قاصداً متلذّذاً، ثم ينقله بكل صراحة للإمام (عليه السلام).» [↑](#footnote-ref-9)
10. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، جلد: ۲۰، صفحه: ۳۰۸ [↑](#footnote-ref-10)
11. روضة المتقین في شرح من لا یحضره الفقیه، جلد: ۹، صفحه: ۴۴۲ [↑](#footnote-ref-11)
12. مستمسک العروة الوثقی، جلد: ۱۴، صفحه: ۳۱ [↑](#footnote-ref-12)
13. تنقیح مباني العروة (الصلاة)، جلد: ۲، صفحه: ۱۶ «و لو كان المراد من قوله: يعجبني، هو الالتذاذ الجنسي تكون الرواية مخالفة للكتاب العزيز الدال علی الأمر بالغض من البصر و تحفظ الفرج.» [↑](#footnote-ref-13)
14. مستند الشیعة في أحکام الشریعة، جلد: ۱۶، صفحه: ۴۹ [↑](#footnote-ref-14)
15. همان [↑](#footnote-ref-15)
16. موسوعة الإمام الخوئي، جلد: ۱۲، صفحه: ۷9 [↑](#footnote-ref-16)
17. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، جلد: ۲۰، صفحه: ۳۸۷ «قوله عليه السلام: «إذا عرف الله» يمكن حمله على أن مراد السائل أنه مبتلى بمعاشرة امرأة يقع نظره عليها بغير اختيار فتعجبه، فالمراد بصدق النية أن يعلم الله تعالى أنه لا يتعمد ذلك، أو على أن يكون المراد بصدق النية النظر لإرادة التزويج.» [↑](#footnote-ref-17)